

متحف فلسطين

رونگی

نویسنده و کارگردان: بهنام هزارادی
مدیر فایل‌برداری: بهرام دخترانی، تدوین: علی
میثم شفیعی، موسیقی: روح سخا، طراحی
و تزیین اسلام: امیر حسین صافی، مسابدان:
رشید اشتمانی، طراح چهره برازیل: سودابه
خرسی، طراح صحنه و میان: بایک
کریمی طاری، بازیگران: مولانا شاه، علی
همفای، ستاره ساز: علیرضا افضلی، رؤیا
جاوهینی، شیرین بیزان بشیش، ستاره سینما
تیمه کنندگان: بهنام هزارادی، فوجیه ۸۵
شروع نمایش: از ۱۰ دی سال ۱۳۹۷
نمایش‌همندی: ازادی، مالت، جاروس، کوروش،
فرهاد، موره کوش



پرستارهای ابدی

جهانبخش نورایی



و بدیم می سود. در منسنه اینکه باید همه را بخواهد و بخوبی می شود. در قرته، حرفه ای فرستاده و نیلوفر امامه می دهد و این پیشنه است که شناخته و تعریف می شود. در پاسخ سپهیل که می برسد کارش خوب می چر خدا به، نیلوفر گوید: «از نظر مالی که نه خیلی ولى و نه دوستش دارد، کار نیلوفر هویت اوست: تجربه چیزی که دارم نمی ام». وقتی سوداوه به راه پیشنهاد می برد و به صلت احتمالی اشاره شد، می کند و می گفت: «که عروس خوش آسوسور است. باعدها تصویر معنی بر تئیین این احتمال دست می دهد که گویی همسر واقعی نیلوفر چیزی جز زیبایی خجال تکبر تولید و خلاقیت نیست. از این روز، حکی تعجب تدارد این که همه زن و مرد شدنگان را در کارگاه بینیم، هویت نیلوفر تولید پوشاند. است که جان بدمی کنم. شمام. قرقون دونو تکردن و چیز مقدمی به چنان افروندن، رضا دادن به هویت شناسیست: به زانایی و غصی و گنسانی در این میان در گیری اصلی را تبلوی با پراذرش فرهاده دارد، فرهاد خودخواه و بددهن است. توپیه و تغیری می کند. پاش بیش بقیدن هم گویی (روز و نیلوفر) به محضی طلکاری که گوید به من گفتی کلاهبردار، فرهاد از ستریع زنان کشتن و بول زنان خیرداد از نیز می کند. در ادام و از ندان، پاش کش است که پاشن در کل نهند بایه کار خوش می ستد. افراحته فرهاد در ورطه یک تکاح دنیا شناسی از گرفقاری و درمانگی می نزد. تمام در حال تلاش و بر ایستادی. سرتیع را می بیند - گیرکن جنس به همراه - و اعماق از همه پابندی طلکاری می شناسد. خانم احمد و سلطان دنی و اورشل از هم رعایت دارد. پاشن بقیه فرهاد را باستخوان چون اینست ازها باز از عماره بیرون می کند. داده بقیه فرهاد را با هم رعایت دارد. پاشن بقیه طرف محنتیست که گوید به طلکاری خوب در سراسر ململ از آن کویی کرد تندیک و به مادرام خود می بیند.

نیلوفر (سرخ دولتشاهی) یک کارگاه خاطرپا همراه دوستش می‌جز خاند. او مدحت است که مهیل (علسون افغانی) یکی از دوستان قادیانی است که به زانوی از خارج بر گشته مراحلات می‌کند و گاموینی کارگاه اپارچه کرد. کارکش ب شب به نیلوفر خود مرسد که مادرش به دلیل حمله تنفسی در پیمانستان رفت و شده است. دستگیر است که گویند چون هوای تهران بسیار خوب است باید از تهران پنهان و کرمه چهار مسکلات جذی خواهد شد. هما (روزا چاودیانی) از هارپنیو و فرهاد (علی چاودیانی) می‌گزیند مادرانش را به همراه نیلوفر به وادی شمال پرورش دستند در حالی که خودش از این جزوی خیرخواه ندارد. صبا (ستاره حقیقی)، دختر هما است در این حالت خصوصی داشته از این راه تصمیم گرفت هما و فرهاد را به نیلوفر خبر می‌دهد. فرهاد و هما بین این که از نیلوفر چیزی بپرسند، به پهلوانی‌های مختلف پرسیدند و اینها را پاسخ نمی‌دادند. نیلوفر می‌گفت که سکوت است که می‌داند. همه هیئت‌نامه این را گوید اما همکارش سودابه (ستاره پیانی) صحبت می‌کند تا کار گاه خاطرپا را بساز و تصمیم گیرد. فرهاد هم خواهد پرسید و از این راه می‌گذرد. فرهاد به دلیل این دستی نزدیکی به زنانی بینند این را می‌داند. همه نیلوفر که صبور می‌گشتند قرار است شال شود. را طبلکن فرهاد می‌سازند تا به اداره نیلوفر آنجا کار کند و مکمل شود. فرهاد با طبلکن به کارگاه خاطرپا نیلوفر می‌رسد و نیلوفر باز متوجه می‌شود که مرد علاقمند را هم

